[221] أي آنكه شيرينى همدمى با خود را به عاشقانش چشانيد، در نتيجه در پيشگاهش تملق كنان ايستادند، واى آنكه جامه هاي هيبتش را بر اوليائش پوشانيد، در نتيجه آمرزش جويانه در پيشاپيش ايستادند، توئى ياد كننده قبل از يادكنندگان، وتوئى شروع به احسان كننده قبل از توجه عابدان، وتوئى جود وبخشش كننده قبل از خواستن خواستاران، وتوئى بسيار بخشنده، آنگاه به آنچه بخشيده أي از ما وام طلب مى كنى. بارالها ! مرا از در رحمتت فراخوان تا بتو دست يابم، وبا جاذبه محبتت مرا بسوى خود بكشان تا دلم را تماما مهياى حضور تو كنم، خدايا اميدم از تو قطع نمى گردد اگر چه نافرمانيت را بكنم، همچنانكه ترسم از من مفارقت نمى كند اگر چه اطاعتت را بنمايم، جهانيان مرا بسوى تو كشانده اند، وعلمم به كرمت مرا نزد تو وارد ساخته است، معبودا چگونه نا اميد گردم در حاليكه تو آرزويم هستى، يا چگونه سبك شمرده شوم در حاليكه توكلم بر توست، خدايا چگونه دعوى عزت كنم در حاليكه وجودم به خاك ذلت سرشته است، يا چگونه احساس عزت بكنم در حاليكه انتساب هستى ام به توست. معبودا چگونه احساس فقر نكنم در حاليكه در وادى فقر سكنايم داده أي، يا چگونه احساس فقر كنم در حاليكه تو با كرامت خود